

# معارف عصری در افغانستان

- 5 -

نویسنده: محمداکرام اندیشمند

## ج:- دوران صدارت سردار محمدداود:

سردار محمدداود در ششم سپتمبر 1953 از سوی شاه به عنوان صدراعظم مؤظف گردید و سپس در بیستم سپتمبر اعضای کابینه ی خود را معرفی کرد و خط مشی خویش را بیان داشت. هرچند او به آزادی های سیاسی و اجتماعی زمان صدارت سردار شاه محمود پایان داد و بیشتر با روش کاکای خود سردار محمدهاشم خان به حکومت پرداخت، اما به معارف بیشتر از گذشته توجه کرد. او علی رغم تند خوئی و تکروری در داخل خانواده ی حاکم سلطنتی و روش استبداد مآبانه در مدیریت و زمام داری کشور به پیشرفت افغانستان در عرصه های مختلف از جمله در عرصه ی معارف علاقه ی مفرط داشت. برای سردار محمدداود پیشتر و بیشتر از آزادی های اجتماعی و روش دموکراتیک در اداره و رهبری جامعه، انکشاف اقتصادی و پیشرفت کشور مطرح بود. او در واقع سیاست شاه امان الله خان را منهای روش های دموکراتیک شاه مذکور در جهت ترقی و انکشاف کشور به ویژه در عرصه ی معارف عصری برای طبقه ی ذکور و اناث تعقیب کرد. او همچون امان الله خان به انکشاف و پیشرفت افغانستان اشتیاق و ذوق فروان نشان میداد و در صدد آن بود که افغانستان را هر چه سریعتر در عرصه های مختلف حیات اجتماعی به رهبری و زعامت خودش متحول کند. صرف نظر از روش های استبداد مآبانه ی سردار محمدداود و گاهی تبعیض آلود در حکومتداری و انجام اشتباهات در عرصه های مختلف سیاست داخلی و خارجی در هر دو دوران زمام داری اش، موصوف زمام دار پاک نفس، وطن دوست و علاقمند به پیشرفت و اقتدار افغانستان بود. او به خوبی میدانست که ترقی و توسعه ی افغانستان بستگی به رشد و توسعه ی معارف عصری دارد. از این رو در آغاز صدارت خویش به معارف و اهل معارف تمایل و دلچسپی نشان داد و در روزهای نخست به عنوان صدراعظم به پوهنتون کابل رفت و در آنجا به دانشجویان فاکولته ی حقوق سخنرانی کرد. او سپس فارغان فاکولته ی حقوق را در مدیریت های نواحی شهر کابل به حیث ولسوال تعیین نمود. (77)

معارف در سه سال نخست صدارت محمدداود هرچند با اندکی رشد و توسعه به همان شیوه ی قبلی بدون پلاننگزاری ادامه یافت؛ اما سه سال بعد مانند بخش های دیگر از سوی حکومت مشمول برنامه ریزی و پلاننگزاری گردید.

در سال 1954 توسعه ی مکاتب دهاتی ادامه یافت. فاکولته ی تعلیم و تربیه غرض تربیه ی معلم در پایتخت کشور افتتاح شد. همچنان در این سال وزارت معارف کشور موافقت نامه ای را برای تربیه ی معلمین دوران ابتدایی مکاتب با کالج معلمان پوهنتون کولمبیا و نیویارک به امضاء رساند. در سال بعدی 1955 نیز به شمار مکاتب دهاتی و ابتدایی افزوده شد. یک مکتب نسوان در ولایت قندز تشکیل گردید، برخی از مکاتب ابتدایی به متوسطه ارتقا یافتند. وزارت معارف بمنظور تربیه ی معلم به تشکیل مؤسسه ی پیداگوژی اقدام کرد. مطابق آمار وزارت معارف کشور در سال 1954 به تعداد 114266 تن شاگرد و در سال 1955، 120500 تن شاگرد ذکور و اناث در مکاتب مختلف کشور به شرح زیر مشغول تعلیم و آموزش بودند:

سال 1954: تعداد شاگردان مکاتب دهاتی 12762 تن، شاگردان ذکور دوره ی ابتدایی 84328 تن و شاگردان اناث 7977 تن، شاگردان ذکور دوره ی متوسطه 2908 تن و شاگردان اناث 568 تن، شاگردان ذکور دوره ی لیسه 911 تن و شاگردان اناث 80 تن. سال 1955: تعداد شاگردان مکاتب دهاتی 14978 تن، شاگردان ذکور دوره ی ابتدایی 85577 تن و شاگردان اناث 9036 تن، شاگردان ذکور دوران متوسطه 4018 تن و شاگردان اناث 763 تن، شاگردان ذکور دوره ی لیسه 993 تن و شاگردان اناث 4 دوره ی لیسه 124 تن. (78)

در سال 1956 سیر رو به رشد معارف ادامه یافت. در حالیکه یک سال قبل به تعداد 29 تن محصل از افغانستان در کشورهای خارجی با استفاده از بورس های تحصیل مشغول تحصیلات عالی بودند، در سال 1956 در حدود 150 سکالر شیب و فیلوشیب به افغانستان داده شد که شمار بیشتر آن به اداره همکاری های بین المللی ایالات متحده امریکا تعلق داشت. همچنان در این سال بر مبنای ارقام سالنامه افغانستان: «به تعداد 91 باب مکتب دهاتی ذکور، دو باب دهاتی اناث، 18 باب مکتب ابتدایی ذکور و سه باب مکتب ابتدایی اناث، 18 باب کورس اکابر، دو باب متوسطه ی ذکور، یک باب متوسطه ی اناث و دو باب لیسه تأسیس گردید. تعداد شاگردان جدید الشمول مکاتب ابتدایی پسران و دختران به 13000 تن بالغ گردید و تعداد فارغان دوره ی ابتدایی به 3674 تن، فارغان مکاتب مسلکی به 571 تن و فارغان دوره ی ثانوی به 84 تن رسید.» (79)

سال 1956 (1335)، نخستین سال پلان گزاری برای معارف افغانستان بود. پلان پنج ساله ی اول در جهت انکشاف عرصه های مختلف حیات کشور از جمله در عرصه ی رشد معارف از 22 سپتمبر سال 1956 (اول میزان 1335 خورشیدی) آغاز یافت. هرچند بر مبنای برنامه ی پنج ساله ی انکشافی، معارف افغانستان به شمول بخش صحت عامه هفت درصد مجموع هزینه ی پیش بینی شده را در پلان پنج ساله ی انکشافی نصیب می شد که یک فیصدی اندک بود، اما برای اولین بار رشد و توسعه ی معارف مشمول یک برنامه ی منظم و سنجیده شده گردید. بخش اعظم بودجه در حدود 50 درصد از مجموع بودجه ی هشت و نیم هزار ملیون افغانی پلان پنج ساله ی انکشافی به زراعت و آبیاری اختصاص داده شده بود. از این مقدار پول، 14 درصد آن به مواصلات و مناقلات و دو درصد به صنایع و معادن تعلق داشت.

پلان پنج ساله ی اول انکشافی در مورد معارف از 1956 تا 1961 به توسعه ی مکاتب ابتدایی متمرکز گردید. بر مبنای این پلان به تعداد مکاتب و شمار شاگردان دوران دهاتی و ابتدایی افزوده شد. این ازدیاد با سپری شدن یکسال اول پلان انکشافی قابل ملاحظه بود. در حالیکه در سال 1956، نخستین سال پلان پنج ساله ی انکشافی تعداد شاگردان پسر در دوره ی ابتدایی به 89660 تن و شاگردان اناث به 10012 تن می رسید، در سال 1957، یکسال پس از تطبیق پلان پنج ساله تعداد شاگردان پسر در دوره ی ابتدایی به 96173 تن و تعداد دختران در این دوره به 11008 تن بالا رفت. در بخش های ثانوی مکاتب نیز پس از سپری شدن سال اول پلان گزاری شمار شاگردان و محصلان بیشتر شد. تعداد متعلمین پسر در دوره ی متوسطه ی سال 1956 از 3705 در سال 1957 به 4103 تن، در دوره ی لیسه از 900 به 1085 نفر و تعداد شاگردان دختر در دوره ی متوسطه ی سال 1956 از 881 تن به 1127 و در دوره ی لیسه از 188 تن به 251 تن بالا رفت. همچنان در مکاتب مسلکی و تحصیلات عالی به شمار دانش آموزان و دانشجویان افزایش بعمل آمد. مجموع شاگردان پسر و دختر در سال 1956 در مکاتب مسلکی به 3451 تن و در فاکولته ها به 758 تن می رسید و این شمار در سال 1957 در مکاتب مسلکی به 4939 تن و در فاکولته ها به 953 تن بالا رفت. (80)

در سال 1958 در سراسر کشور 32 مکتب لیسسه و متوسطه ی پسران و دختران وجود داشت که در آن مکاتب بصورت مجموعی 26690 شاگرد پسر و دختر توسط 870 معلم تعلیم و آموزش می دیدند. جدول زیر نام مکاتب، تعداد شاگردان پسر و دختر، تعداد معلمین و همچنان موقعیت مکاتب را در مناطق و ولایات کشور در سال 1958 ، سومین سال پلان پنج ساله اول انکشافی نشان میدهد:

شماره	اسم مکاتب	ولایت	تعداد شاگرد	تعداد معلم
1	لیسه حبیبیه	شهرکابل	2269	82
2	لیسه استقلال	شهرکابل	1855	72
3	لیسه نجات	شهرکابل	1229	59
4	لیسه غازی	شهرکابل	1334	48
5	لیسه خوشحال خان	شهرکابل	605	27
6	لیسه رحمن بابا	شهرکابل	537	20
7	لیسه نوی کابل	شهرکابل	721	23
8	لیسه ملالی	شهرکابل	1777	60
9	لیسه زرغونه	شهرکابل	2176	80
10	لیسه رابعه بلخی	شهرکابل	1469	43
11	متوسطه بلقیس	شهرکابل	188	12
12	لیسه باختر	مزارشریف	1150	23
13	متوسطه سلطان رضیه	مزارشریف	609	14
14	متوسطه بغلان	مرکز بغلان	621	13
15	متوسطه شاه محمود غازی	فیض آباد (بدخشان)	49	3
16	لیسه عبدالحی گردیزی	شهر گردیز (پکتیا)	726	15
17	لیسه ابونصر	فراه	445	16
18	لیسه ابوالفتح	گرشک (هلمند)	297	15
19	متوسطه ابو عبیده	میمنه	878	16
20	متوسطه نسوان میمنه	میمنه	369	7
21	متوسطه سنایی	غزنی	802	23
22	متوسطه اشترگرام	پروان	601	17
23	لیسه نعمان	چاریکار (پروان)	848	21
24	متوسطه سلطان	ننگرهار	278	9

			پورسغلی	
20	154	لغمان	لیسه تیگری	25
12	476	لوگر	متوسطه برکی برک	26
37	1066	هرات	متوسطه مهری	27
22	707	هرات	لیسه سلطان غیاث الدین	28
22	843	قطغن(قندز)	لیسه خان آباد	29
15	779	قندز	لیسه قندز	30
14	489	قندهار	متوسطه زرغونه انا	31
10	343	قندهار	لیسه احمدشاه بابا	32

(81)

لیسه های رحمن بابا و خوشحال خان به شکل لیلیه در کابل برای شاگردان قبایل پشتون پاکستان در آنسوی مرز دیورند تشکیل گردیده بود. موضوع پشتونستان و منازعه ی دیورند در محور سیاست سردار محمداود پس از احراز کرسی صدارت قرار گرفت. او برای جلب علاقه و تمایل قبایل آنسوی دیورند به تاسیس دو مکتب لیلیه ی ثانوی در شهر کابل پرداخت و زمینه برای تعلیم هزاران نفر از مردم قبایل آنسوی دیورند در کابل مساعد شد.

درسالهای بعدی با تطبیق پلان پنج ساله ی اول انکشافی بازهم پیشرفت هایی در تمام بخش های معارف کشور صورت گرفت. اما علی رغم آنکه در پلان پنج ساله ی انکشافی اول توسعه و تعمیم مکاتب ابتدایی بخش اصلی برنامه ریزی و اهداف پلان را در عرصه ی معارف تشکیل میداد، در این دوره ی نخستین پلانگزارای از صد فیصد اطفال واجد شرایط شمول در مکتب تنها پنج فیصد روانه ی مکتب شدند: «وقتیکه پلان اول تطبیق می شد معارف افغانستان 762 مکتب و 121000 شاگرد داشت که ازاین جمله 111000 نفر در دوره ی ابتدایی بود. نفوس افغانستان در آغاز پلان اول 1336 دوازده ملیون تخمین می شد پس اگر 18 فیصد نفوس مجموعی را گروپ سن دوره ی ابتدایی فرض کنیم در آن وقت 5 فیصد اطفال به سن مکتب ابتدایی، شامل بودندو این نتیجه ی فعالیت یک دوره ی طولانی تقریباً هفت برابر پلان پنجساله بود.»(82)

جدول زیر تعداد فارغان مکاتب دوران ابتدایی، ثانوی و مسلکی را در سالهای پلان پنج ساله ی انکشافی اول از 1335(1956) تا 1340(1961) نشان میدهد:

سنوات	فارغ مکاتب ابتدایی	فارغ مکاتب متوسطه	فارغ مکاتب ثانوی	فارغ صنف 12 مکاتب مسلکی	فارغ صنف 9 مکاتب مسلکی	فارغ دار الحفاظ ها	مجموع
1335	6139	718	172	267	250	4	7500
1336	7094	1011	230	237	309	18	8900
1337	9380	1056	255	282	345	10	11328
1338	8662	1236	434	312	366	321	1042
1339	9590	1576	526	415	401	14	12522
1340	11247	1796	540	326	564	17	14490
مجموع	52112	7393	2157	1840	3235	95	65833

(83)

در پایان پلان پنج ساله ی اول آنگونه که بملاحظه میرسد یک رشد نه چندان بزرگ در انکشاف معارف صورت گرفت. این انکشاف و ازدیاد صرف در مقایسه باسالهای ماقبل پلان قابل بررسی بود نه از لحاظ تعمیم معارف در سراسر کشور و رفع نیازمندی های جامعه در این عرصه. تعداد شاگردان دوران ابتدایی و شمار مکاتب دوچند دوره ی ماقبل پلان شد. به شمار مکاتب ثانوی نیز افزایش بعمل آمد. این ازدیادبرمبنای گزارش وزارت معارف در پایان پلان پنجساله ی اول انکشافی از 16 فیصد به 21 فیصد بود.

در نخستین پلان پنج ساله ی اول انکشافی در بخش تعلیمات عالی نیز پیشرفتهایی صورت گرفت. در اولین سال اجرای پلان (1956) فاکولته ی زراعت و فاکولته ی انجنیری تأسیس گردید. در همین سال دارالمعلمین های ننگرهار و قندهار بوجود آمد. در سال 1957 فاکولته ی اقتصاد تأسیس شد. در هرات نیز یک باب دارالمعلمین بنیانگذاری گردید. در 1958 فاکولته ی فارمسی ایجاد شد. در سال 1959 سنگ تهاداب پوهنتون کابل از سوی سردارمحمدداودگذاشته شد.

در بخش نصاب درسی و مضامین مورد تدریس در دوره ی ابتدایی مکاتب نیز تغییراتی وارد شد. در برخی مکاتب ابتدایی آموزش حرفه های چون: نجاری، خیاطی، قالین بافی، سنگ تراشی، تباشیرسازی، گلیم بافی، کلالی، سطرنجی بافی، داشکاری خشت پخته و غیره گنجانیده شد. آموزش بسیاری از این حرفه ها در مکاتب بنا بر کمبود معلم غیر عملی بود.

در سال 1961 یک تیم متخصصان یونسکو بابررسی موضوع تربیه ی معلم و تهیه ی گزارشی در این جهت موجب ایجاد دوپروژه در جهت تربیه ی معلم گردیدند. این دوپروژه شامل تأسیس اکادمی مربیان معلم و تأسیس کالج عالی تربیه ی معلم برای دوره ی متوسطه ی مکاتب بود. هر دو پروژه را وزارت معارف به همکاری یونیسیف انجام داد. در سالهای صدارت سردار محمدداود به آموزش سواد بزرگسالان توجه بیشتر مبذول گردید. مراکز سواد آموزی توسعه یافت. در حالیکه نخستین گام برای آموزش سواد بزرگسالان په سال 1906 بر میگردد و سپس شاه امان الله خان به تأسیس کورس های سواد آموزی پرداخت و خود در مدیریت و کنترل آن سهم گرفت، شمار این کورس ها در نخستین پلان پنج ساله ی اول انکشافی در صدارت سردار محمد داود افزایش یافت. در سال 1959 به تعداد چهل کورس سواد آموزی برای بزرگسالان بنام کورس اکابر تأسیس شد. سپس در دهه ی شصت تشکیلات جدید برای مبارزه با بی سوادی بمیان آمد که رهبری و مدیریت این مبارزه بدوش وزارت معارف گذاشته شد. اما مبارزه با بی سوادی علی رغم پیشرفت ها هیچگاه به نحو بی سوادی از جامعه ی افغانستان نیانجامیده است. نبود منابع مالی و تکنیکی به پیمانته ی کافی و مورد نیاز در این مبارزه، عدم زمینه های مساعد ذهنی و فرهنگی در جامعه به خصوص در جامعه ی روستایی و ازدیاد فزاینده ی بی سوادان بنا بر رشد جمعیت و نبود مکتب و زمینه ی تعلیم برای اطفال سراسر کشور که پیوسته به جمعیت بی سوادان افزوده است، از عوامل ناکامی در این عرصه محسوب می شود.

توجه به معارف نسوان یکی دیگر از تحولات عرصه ی معارف در دوره ی صدارت سردارمحمد داود بود. هرچند معارف نسوان پس از زوال سلطنت امان الله خان و یک دوره ی رکود، مجدداً در دوران صدارت محمدهاشم خان در 1941 آغاز گردید و سپس در صدارت سردارشاه محمود انکشاف یافت، اما در دوره ی صدارت سردارمحمدداود وارد مرحله ی جدید رشد و توسعه شد. اقدام سردار محمدداود در رفع حجاب زنان که پس از سال 1958 رویدست گرفته شد، موجب حضور بیشتر زنان در عرصه های حیات اجتماعی کشور و توسعه ی معارف برای طبقه ی نسوان شد. در حالیکه تصمیم و اقدام مشابه شاه امان الله در گذشته مخالفت و طغیان های غیرقابل مهار را در جامعه برانگیخت، عملکرد سردار محمدداود سه دهه بعد از آن به موانع و مخالفت جدی روبرو

نگردید. مؤلف افغانستان در پینج قرن اخیر در این مورد می نویسد: «از ختم دوره ی پادشاهی امان الله شاه به این سو، دولت در مسأله ی حقوق زنان روش ارتجاعی و محافظه کارانه داشت. مدارس دختران مسدود گردید، محمدنادرشاه حجاب زنان را یکی از فقرات اساسی خط مشی خود اعلان کرد و امان الله شاه را به دلیل مداخله در این کار مورد نکوهش قرار داد. اما با گذشت وقت و زمان نیازمندیهای نوی در جامعه پیدا شد که تعلیم دختران را ضروری می ساخت. بنا بر آن در دوره ی صدارت محمدهاشم خان مکتب قابلیت در کابل تأسیس گردید که بعدها در دوره ی شاه محمودخان به شکل کامل العیار متوسطه دختران در آمد. معلمه ها و متعلمه های این مکتب برای بار اول رفع حجاب را از جانب خود نسوان تبلیغ و تقاضا کردند. نسل جدید خانواده ی شاهی اعنی محمدظاهرشاه، محمداود خان و محمدنعیم خان هرچند این ضرورت را دریافته بودند، لیکن تا مدتی به ملاحظه ی رد عمل احتمالی عناصر محافظه کار، اقدامی در آن راه نکردند، تا اینکه در سال 1958 اولین دسته ی اردو با سلاح جدید شوروی مجهز گردید و دولت خود را براوضاع در داخل کشور مسلط یافت. در این وقت هر سه پسر عم تصمیم گرفتند تا به زنان اجازه بدهند که حجاب از چهره برگیرند.» (84)

تصمیم صدراعظم محمداود در مورد رفع حجاب که به نام نهضت نسوان صورت گرفت نخست با آشکار شدن چهره های برخی زنان خانواده ی سلطنتی و عده ای از زنان هیئات حکومت در مراسم جشن استقلال آغاز یافت. محمدعزیرنعیم بردارزاده ی سردارمحمد داود می گوید: «جشن استقلال سال 1341 بود. پدرم تصمیم گرفت که باید مادرم با آنها یکجا بیاید. به هرصورت وقتی که مادرم به استدیوم ورزشی کابل رفت برای همه تعجب آور بود و مادرم هم خیلی هیئجان زده بود. همان روزچهره های اشخاصی که در آنجا بودند، جالب بود. وزراء هم خبری نداشتند. در این وقت مرحوم سلطان احمدخان شیرزوی که سابق وزیرخارجه بود در یک چوکی (صندلی) خالی که در پهلو من بود، نشست. به چپ نگاه کرد و به راست نگاه کرد و مادرم را دید و ازمن پرسید که این خانم افغان است؟ گفتم بلی! گفت که خواهد بود؟ گفتم فکر میکنم که مادرم باشد. او به حدی هیئجان زده شد که اشک از چشمانشان جاری شد و بعد از آن، فردایش یک فضای دیگر در سراسر افغانستان به وجود آمد. در کمپها (محل جشن استقلال) و زیرها با خانم هایشان آمدند، چند وقت بعد در سینماپارک خانم ها و مردها مشترکاً به سینما میرفتند.» (85)

برنامه ی رفع حجاب سپس در ولایات عملی گردید. تنها مخالفت هایی در ولایت قندهار در برابر این اقدام صورت گرفت که با استفاده از نیروی نظامی در هم کوبیده شد. پس از آن در سال 1960 فاکولته های نسوان با فاکولته های پسران در دانشگاه کابل ادغام یافت و تدریس مشترک دختران و پسران در صنوف درسی فاکولته ها عملی گردید. در طول سالهای صدارت محمداودخان به شمار شاگردان دختر در مکاتب افزایش به عمل آمد و تعداد بیشتر زنان در مکاتب و مؤسسات تعلیمی و ادارات دولتی به صفت معلم و کارمند توظیف گردیدند. تعداد دختران دوره ی ابتدایی مکاتب در سال 1955 از 116000 تن به 175658 تن در سال 1960 و به 358037 تن در سال 1965 بالا رفت. در مکاتب ثانوی نیز شمار شاگردان دختر از 5900 تن در سال 1955 به 16647 در سال 1960 ازدیاد یافت. سپس در سال 1965 این تعداد در دوره ی ثانوی مکاتب بیشتر از دوبرابر زیاد شد و به 33982 تن رسید. در جدول زیر رشد تعلیمات نسوان در هرپنج سال از سال 1940 تا 1965 با تعیین درصدی این رشد در دروه های ابتدایی، ثانوی و تعلیمات عالی قابل مطالعه است:

سال	تعداد شاگردان نسوان	فیصدی
1940	900	1,5

2,6	2000	1945
4,6	4350	1950
8,3	9990	1955
11,9	23155	1960
15,5	61394	1965

(86)

دومین پلان پنجساله ی انکشافی در سال 1962 آغاز شد. در این پلان مصرف مجموعی 31,3 میلیارد افغانی مدنظر گرفته شده بود. از این مقدار پول 11,2 درصد آن به بخش معارف و صحت عامه اختصاص یافته بود که قسمت بیشتر آن (1759 ملیون افغانی) مربوط به معارف می شد. در حالیکه سهم معارف در پلان اول انکشافی 958 ملیون افغانی بود.

در دومین پلان انکشافی پنج ساله به رشد و گسترش دوره ی ثانوی، تخنیک و عالی معارف توجه بعمل آمد. هرچند سردار محمدداود یکسال پس از شروع پلان از صدارت کنار رفت، برنامه ی انکشاف معارف تا ختم پلان مذکور در 1967 ادامه یافت. اما مشکل عمده در دوران رشد مکاتب ثانوی، کمبود معلمین مسلکی برای تدریس در لیسه ها بود که در سومین پلان پنج ساله به تربیه ی معلم اهمیت بیشتر داده شد. توسعه ی معارف را بر مبنای دو پلان پنجساله ی انکشافی متذکره در جدول زیر می توان مشاهده کرد:

#### تعداد شاگردان

	پلان اول (1961-1956)	پلان دوم (1967-1962)	
	1955	1960	1967
تعلیمات ابتدایی	111650	213100	444240
تعلیمات ثانوی	5730	14100	54400
تعلیمات مسلکی	1950	2500	5700
تربیه معلم	1000	3900	5600
تعلیمات عالی	760	1700	4320
مجموع	121090	235300	524260

(87)

همچنان در جدول دیگر رشد و توسعه ی معارف کشور با ملاحظه ی تعداد شاگردان پسر و دختر در دوره های ابتدایی، متوسطه و عالی مشاهده می شود:

سال	اناث	ذکور	مجموعه
1955	9990	111100	121090
1960	23155	170845	194000
1965	61394	334074	395468
1970	92030	564090	656120

(88)

در سالهای صدارت سردار محمداود و برنامه های انکشافی معارف در جریان سه پلان پنج ساله ی انکشافی به رشد و توسعه ی تعلیمات تخنیکي و مسلکی و تحصیلات عالی توجه به عمل آمد. بنیان ایجاد مکاتب مسلکی در سلطنت امان الله خان گذاشته شد و اولین بار مکتب صنایع در سال 1923 تأسیس گردید. سپس مکتب میخانیکي در 1937، مکتب زراعت کابل/هلمند در 1944، مکتب تجارت در 1948، تخنیک ثانوی در 1951، مکتب مسلکی بلقیس برای دختران و مکتب اداره ی عامه در 1959، مکتب موزیک در سال 1960 و مکتب هوتل داری در سال 1963 در کابل پایتخت کشور تشکیل یافتند. برای نخستین بار در چوکات پلان انکشافی معارف مکاتب مسلکی خارج از پایتخت ایجاد شد. مکتب میخانیکي در سال 1958 در ولایت قندهار، مکتب میخانیکي در همین سال در خوست پکتیا، مکتب صنایع در سال متذکره در ولایت فراه، مکتب زراعت در سال 1961 در ولایت بغلان تأسیس گردید.

جدول زیر تعداد شاگردان، معلمان و فارغان سال 1963، آخرین سال صدارت سردار محمداود را از مکاتب مسلکی و مؤسسات عالی مسلکی مشخص میسازد:

تفصیلات	تعداد داخله	تعداد معلمان	فارغ التحصیلان
مجموع عمومی تدریسات مسلکی	9792	542	1098
دارالمعلمین کابل	473	35	116
دارالمعلمین ننگرهار	616	17	20
15 شعبه دارالمعلمین نهاری و 15 شعبه لیلیه	1797	56	0
دارالمعلمین هرات	404	19	0
دارالمعلمین قندهار	451	21	5
مکتب تخنیک ثانوی	353	30	109
میخانیکي کابل	754	53	156
میخانیکي خوست	205	10	34
میخانیکي قندهار	150	14	49
صنایع کابل	322	43	33
صنایع فراه	129	10	14
زراعت کابل	251	18	51
زراعت بغلان	487	27	32
مکتب سپورت	152	9	19
انستیتوت اداره صنعت	65	8	19
مکتب تجارت	343	14	25
لیک او شمیر	29	13	34
شاهدخت بلقیس	180	13	8
ابن سینا	1160	43	276
دارالعلوم عربی	202	10	26
مدرسه ابو حنیفه	180	13	8
فخرالمدارس هرات	97	14	6
مدرسه جامع هرات	167	12	6
نجم المدارس	125	12	11



10	10	109	ننگرهار مدرسه اسديه مزارشريف
0	6	76	مدرسه تخارستان قندز
8	4	50	مدرسه ظاهرشاهي
0	3	58	مكتب هوتلداري
2173	1079	19177	مجموع

(89)

جدول ذیل سیر رشد و توسعه ی مکاتب و مؤسسات مسلکی و تحصیلی را در سالهای دو پلان پنجساله ی اول و دوم انکشافی، از سال 1334(1955) تا سال 1346(1967) نشان میدهد:

سالها	مکاتب دهاتی	ابتدایی	متوسطه	لیسه ها	مسلکی	فاکولته ها	مجموع
1334(1955)	358	330	27	17	24	6	762
1339(1960)	695	456	40	19	28	12	1250
1340(1961)	788	533	52	22	31	10	1436
1341(1962)	820	542	60	24	34	11	1491
1342(1963)	969	568	83	25	53	11	1709
1343(1964)	1037	627	111	28	57	11	1871
1344(1965)	1222	656	122	30	56	13	2096
1345(1966)	1290	723	164	42	58	12	2287
1346(1967)	1663	849	197	51	56	14	2848

(90)

رشد و توسعه ی مراکز تربیه ی معلم به عنوان نیاز مبرم در توسعه ی معارف عصری در صدارت سردارمحمدداود مورد توجه قرارگرفت. تأسیس اولین دارالمعلمین در شهر کابل به سال 1923 در دوران سلطنت امان الله خان بر میگردد؛ اما در نخستین برنامه ی انکشافی دوران صدارت سردارمحمدداود بود که مراکز تربیه ی معلم توسعه یافت. در سال 1956 افزون بر اینکه به میزان ظرفیت دارالمعلمین کابل برای جذب شمار بیشتر فارغان لیسه ها افزوده شد، سه دارالمعلمین ابتدایی در ولایات هرات، قندهار و ننگرهار بوجود آمد.

روپهمرفته در سالهای صدارت سردارمحمدداود تعداد مکاتب ثانوی و مسلکی در کشور افزایش یافت. در معارف و تعلیم و تربیه ی افغانستان یک نظام و سیستم ایجاد شد. دربستر این تحول نخبگان روشنفکر رشد و پرورش یافتند. در دوران صدارت محمدداود پوهنتون کابل توسعه پیدا کرد. زمینه های مساعدی برای جذب بیشتر شاگردان فارغ دوره ی ثانوی به پوهنتون یا دانشگاه کابل ایجاد شد. در سال 1960 به تعداد 1540 دانشجوی پسر و 157 دانشجوی دختر در فاکولته های مختلف دانشگاه کابل مشغول تحصیل بودند. پنج سال بعد شمار محصلین در دانشگاه دوبرابر شد. تعداد دانشجویان پسر به 2603 نفر و تعداد دانشجویان دختر به 646 تن رسید.(91)

در آغاز اولین پلان انکشافی ساختمانهای جدید تدریسی برای فاکولته های مختلف دانشگاه کابل و تعمیر لیلیه اعمار گردید و تا شروع دومین پلان انکشافی، فاکولته ها و ادارات مرکزی پوهنتون به این ساختمانها انتقال یافتند. در انکشاف معارف و پوهنتون کابل در این دوره نه تنها شوروی که کشور های غربی چون ایالات متحده ی امریکا و

کشورهای اروپایی سهم گرفتند. محمداود خان که بر سر منازعه ی دیورند و موضوع پشتونستان در مخاصمت فزاینده با پاکستان قرار گرفت، به اتحاد شوروی نزدیک شد. وی از کمک های شوروی در پلان های انکشافی افغانستان از جمله برای توسعه ی معارف استفاده کرد. در دهه ی شصت میلادی فاکولته های طب، ساینس، انجینیری، اقتصاد، حقوق و تعلیم و تربیه به کمک ایالات متحده ی امریکا و کشورهای اروپایی فرانسه و آلمان انکشاف یافت. همزمان با آن دولت شوروی به تشکیل پول تخنیک کابل پرداخت. در آخرین سال صدارت سردار محمداود در سال 1963 پوهنتون ننگرهار تاسیس گردید.

**ادامه دارد**